



رئیس دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر گفت: استان خوزستان در کنار ظرفیت‌های عظیم انرژی، نفت، گاز و کشاورزی، از ظرفیت‌های بالقوه و مغفول‌مانده‌ای در حوزه دریا و اقتصاد دریامحور برخوردار است.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، مرتضی بخنیاوری، در دومین همایش ملی صنایع دریایی با محوریت «تاب‌آوری و بازسازی صنایع دریایی» که در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر برگزار شد، ضمن گرامیداشت سالگرد شهادت شهید مصطفی چمران و روز بسیج اساتید، از تشکیل رسمی «ستاد اقتصاد دریامحور» با دستور استاندارد خوزستان خبر داد.

وی اعلام کرد: این ستاد با پنج کمیته تخصصی و با پوشش هشت حوزه اقتصاد دریایی آغاز به کار کرده است و دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر به‌عنوان دبیر خانه این ستاد، مسئولیت کمیته صنایع دریایی را بر عهده دارد. وی با اشاره به اینکه سهم اقتصاد دریامحور در تولید ناخالص داخلی کشور کمتر از ۲ درصد است، افزود: بخش عمده فعالیت‌های صنایع دریایی کشور در منطقه خرمشهر و آبادان متمرکز است و ما باید با هم‌افزایی بخش‌های دولتی، خصوصی و دانشگاهی، این ظرفیت عظیم را احیا کنیم.

بخشگیری در خصوص نشست‌های تخصصی اقتصاد دریامحور اظهار کرد: پیش از این، سه نشست تخصصی با محوریت صنایع دریایی و شیلات برگزار شده بود و امروز دومین نشست را با افزودن میحث تاب‌آوری دنبال می‌کنیم. وی بر لزوم حرکت به سمت آموزش مهارت‌محور، استفاده از فناوری‌های نوین و نوآوری در حوزه دریایی تأکید کرد و گفت: تقویت مرکز رشد و رانندازی مرکز نوآوری اقتصاد دریا از برنامه‌های جدی دانشگاه است.

در ادامه این همایش، فرمانده پایگاه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خرمشهر، ضمن گرامیداشت یادشدهای نیروی دریایی اظهار داشت: در هزاران کیلومتر دورتر از آب‌های وطن، ناو آموزشی دنا با تقدیم ۱۰۴ شهید مورد تهاجم قرار گرفت و در جنگ ۴۰ روزه نیز پایگاه دریایی خرمشهر ۱۲ شهید تقدیم انقلاب کرد.

ناحدا کرامت‌الله رضایی گفت: حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد حمل‌ونقل دریایی جهان در خلیج فارس انجام می‌شود و امروز ما در تنگه هرمز بر ترسیم؛ این یک شعار نیست، بلکه واقعیت میدان است.

وی ضمن تأکید بر لزوم تغییر نگاه سنتی به صنعت دریایی در استان خوزستان، اظهار کرد: مشکل اصلی استان این است که هنوز به این باور نرسیده‌ایم که یک استان دریایی هستیم و همچنان خود را استانی نفتی می‌دانیم؛ از این رو نگاه سنتی به صنعت دریایی در استان نیازمند بازنگری است.

ناحدا رضایی با اشاره به وجود حدود ۲۰ واحد کشتی‌سازی در خوزستان گفت: بخش عمده صنعت دریایی استان در شهر تنگه‌های خرمشهر و آبادان متمرکز است، اما متأسفانه علی‌رغم قدمت صنعت کشتی‌سازی در این منطقه، کار جدی صورت نگرفته است.

وی با بیان اینکه زیرساخت تخصصی نیازمند فکر تخصصی است، افزود: در محدوده ۹۰ مایلی از دهانه بندر خرمشهر تا دهانه فام، ظرفیت اشتغال‌زایی در ۱۶۰ تا ۱۷۰ کیلومتر نوار ساحلی وجود دارد که اگر در هر کیلومتر ۵۰ نفر مشغول به کار شوند، آمار اشتغال قابل توجهی ایجاد خواهد شد. فرمانده پایگاه نیروی دریایی ارتش در خرمشهر با اشاره به ظرفیت اشتغال‌زایی صنعت دریایی گفت: اگر هر یک از ۲۰ کشتی‌سازی استان به‌طور میانگین ۴۰۰ نفر را جذب کند، هشت هزار شغل مستقیم ایجاد می‌شود. نماینده ولی فقیه در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر با اشاره به ادعای اخیر رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر نابودی کامل نیروی دریایی ایران، این ادعا را کزاف و غیرواقعی خواند و گفت: دشمنان، دریا، سیستم و قدرت ما را نشناخته‌اند.

حجت‌الاسلام مهاجر مهدی‌راد اظهار کرد: تمدن مبتنی بر انسان‌محوری و رویکردهای مکانیکی به سرکردگی آمریکا، در پی نابودی تمدن ایران است و این خود یکی از غصه‌های تاریخ معاصر و از طنزهای تلخ روزگار ماست که کشوری خود را صاحب‌اختیار در تشخیص خیر و شر ملت‌ها می‌داند و به خود اجازه می‌دهد هر تمدنی را با زور و قلدری به زانو در آورد.

وی با تأکید بر ایستادگی کشور در برابر تهاجم دشمن، افزود: ایران با پشتوانه تمدنی غنی، باورهای عمیق و مردم ولایتمدار، در عرصه‌های علمی، نظامی و اجتماعی پای کار ایستاده است.

نماینده ولی فقیه در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر گفت: رئیس‌جمهور آمریکا بر اساس داده‌های نادرست ادعا می‌کند که نیروی دریایی ایران را نابود کرده است، اما این ادعا کزاف است؛ چرا که آن‌ها دریا، سیستم و توانمندی‌های ما را نشناخته‌اند.



سرتیگر گروه راهبردی - مرتضی فاخری - در

مسال‌های اخیر، اقتصاد ایران بسا چالش‌های ساختاری عمیقی دست‌وپنجه نرم کرده است که یکی از مهم‌ترین آنها، تضعیف بنیان‌های سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری الگوهای رفتاری ناپایدار در میان فعالان اقتصادی محسوب می‌شود. داده‌های رسمی حکایت از آن دارد که رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در مقاطع اخیر به سطوح منفی سقوط کرده است؛ رقمی که پایین‌ترین سطح سرمایه‌گذاری در چهارسال و نیم اخیر را نشان می‌دهد و ادامه مسیری را تأیید می‌کند که از میانه دهه نود آغاز شده است. این زنگ خطر، فراتر از یک آمار اقتصادی، بیانگر بحرانی ریشه‌دار در نگرش جمعی به مقوله سرمایه‌گذاری و انباشت ثروت است. آنچه در این میان بیش از پیش خودنمایی می‌کند، شکاف عمیق میان سطح ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران ایرانی با استانداردهای متعارف جهانی است. بسیاری از سرمایه‌گذاران، پیش از آنکه به فکر حفظ و حراست از دارایی خود باشند، به دنبال کسب سودهای نجومی و آتی هستند. غافل از اینکه در ادبیات حرفه‌ای سرمایه‌گذاری، نخستین و اساسی‌ترین هدف، جلوگیری از کاهش ارزش سرمایه و سپس کسب بازدهی متناسب با سطح ریسک پذیرفته شده است. تأمل در این مسئله، ما را به واکاوی ابعاد پنهان آن و ضرورت نهادینه‌سازی عقلانیت به عنوان جایگزینی برای هیجانات

زودگذر رهنمون می‌سازد. سرمایه‌گذاری در هر کشوری، موتور محرک رشد و توسعه بلندمدت محسوب می‌شود. برای افزایش تولید کالا و خدمات، تکیه صرف بر نیروی کار یا بهره‌وری کوتاه‌مدت کافی نیست، بلکه نیاز به توسعه مستمر ظرفیت‌های فیزیکی و تکنولوژیک از طریق تشکیل سرمایه وجود دارد. زمانی که تشکیل سرمایه ثابت در یک اقتصاد با روند نزولی مواجه می‌شود، به تدریج پدیده «فرسودگی سرمایه» رخ می‌دهد؛ بدین معنا که موجودی سرمایه موجود که بر اثر استهلاک طبیعی نیازمند جایگزینی و نوسازی است، با سرمایه‌گذاری جدید جبران نمی‌شود و این امر به کاهش ظرفیت تولید، افت اشتغال

بالقوه و در نهایت، محدودیت در آهنگ رشد اقتصادی منجر خواهد شد. بررسی‌های بلندمدت نیز نشان می‌دهد که بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با رشد اقتصادی ایران ارتباط تعادلی مثبت و معناداری وجود دارد که حکایت از ضرورت توجه جدی به این دو متغیر کلان دارد. با این حال، آنچه در مسال‌های اخیر بر پیچیدگی این معضل افزوده، نه صرفاً کمبود منابع مالی یا موانع ساختاری، که نوع نگاه و رویکرد سرمایه‌گذاران به مفهوم ریسک و بازده بوده است و این نگاه، ریشه در لایه‌های ناپیدای فرهنگی و روان‌شناختی دارد که پرداختن به آنها، کلید اصلی گشودن این کره کور محسوب می‌شود. درک مفهوم ریسک، نخستین گام برای ورود به عرصه سرمایه‌گذاری هوشمندانه است. ریسک در ادبیات مالی، به نوسانات بازدهی مورد انتظار اطلاق می‌شود و بیانگر احتمال اختلاف میان میزان بازده واقعی و بازده مورد انتظار است. آنچه حائز اهمیت است، رابطه مستقیم و اجتناب‌ناپذیر ریسک و بازده است؛ به گونه‌ای که هر چه

یک سرمایه‌گذاری ریسک بیشتری داشته باشد، انتظار کسب بازده بالاتری نیز از آن می‌رود. اما این قاعده ساده در شرایط اقتصاد ایران با پیچیدگی‌های رفتاری و فرهنگی گره خورده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رویکرد افراد به ریسک، تا میزان زیادی از فرهنگ و شخصیت درونی آن‌ها نشأت می‌گیرد. در فرهنگ‌هایی که افراد خود را مسئول هر آنچه برایشان اتفاق می‌افتد می‌دانند و احساس کنترل درونی بر شرایط دارند، ریسک‌پذیری هوشمندانه‌تر و همراه با مسئولیت‌پذیری بیشتری شکل می‌گیرد، که این امر در نهایت به رشد و توسعه سریع‌تر اقتصادی منجر خواهد شد. در مقابل، نگرش رایج در میان بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاران ایرانی، گویی به دنبال یافتن طلسمی برای ژرژ و تمند شدن یکشبه است و این نگرش که اغلب با اعتمادبه‌نفس کاذب و خوش‌بینی بیش از حد همراه است، ریشه در خطاهای شناختی عمیقی دارد که نه تنها فرد، بلکه کل شبکه‌های اقتصادی را به دام مخاطره می‌اندازد.

سسوگیری اعتمادبه‌نفس کاذب، سرمایه‌گذاران را به این باور می‌رساند که بر بازار کنترل کامل دارند و دانش یا تجربه آنان فراتر از میانگین سسایر فعالان است؛ حال آنکه از نظر آمار، امکان برتری اکثریت بر میانگین وجود ندارد. این خطای شناختی، به‌ویژه در شرایطی که بازار با نوسانات شدید و عدم اطمینان اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، تشدید می‌شود و سرمایه‌گذاران را به تصمیماتی احساسی و زین‌بازار سوق می‌دهد. اقتصاد رفتاری با واکاوی لایه‌های پنهان تصمیمات مالی، پرده از راز بسیاری از شکست‌های سرمایه‌گذاری برمی‌دارد. یکی از شایع‌ترین این سسوگیری‌ها، «اثر تمایلاتی» است که به تمایل سرمایه‌گذاران برای فروش سهام سووده و نگهداری سهام زیان‌ده اشاره دارد. این رفتار غیرمنطقی که ریشه در ترس از پشیمانی و تمایل به اثبات درستی تصمیمات گذشته دارد، موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاران فرصت‌های سودآور را از دست بدهند و زیان‌های خود را انباشت کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذارانی که در شرایط بازده پایین بازار، نوسان‌های بالا و عدم اطمینان اقتصادی وارد بازار می‌شوند، به شدت بیشتری دچار این اثر تمایلاتی می‌شوند و تصمیمات آن‌ها بیشتر تحت تأثیر ترس و اضطراب قرار می‌گیرد تا تحلیل منطقی، و همین عامل، یکی از موانع جدی بر سر راه شکل‌گیری یک فرهنگ سرمایه‌گذاری بالنده و عقلایی محسوب می‌شود.

از دیگر سسوگیری‌های مخرب می‌توان به «سسوگیری ناپیدی» اشاره کرد که در آن، سرمایه‌گذار به جای بررسی تمام ششواهد و اطلاعات موجود، صرفاً به دنبال داده‌هایی می‌گردد که باورهای قبلی او را تأیید کنند و نظرات مخالف را نادیده می‌گیرد. -ایسن رفتار، نقاط کور تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذار را در چرخه‌ای از خودفریبی گرفتار می‌کند. همچنین «سسوگیری زبان‌گریزی» که بر اساس نظریه کانمن و تورسکی شکل گرفته، نشان می‌دهد که ناراحتی ناشی از یک زیان، بسیار شدیدتر از خوشحالی حاصل از یک سود معادل است. این احساس، هر چند طبیعی به

«سراسر آمد» بررسی می‌کند؛

# ضرورت بازتعریف فرهنگ سرمایه‌گذاری در مسیر توسعه پایدار

افت بهره‌وری و کاهش توان رشد در سال‌های آینده منجر می‌شود. در چنین شرایطی، تحقق رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده در برنامه‌های توسعه کشور، دور از واقعیت به نظر می‌رسد، مگر آنکه مجموعه مسجمی از اصلاحات هماهنگ، از جمله ارتقای سطح سواد مالی عمومی، اصلاح ساختارهای تشویقی در بازارهای مالی و ایجاد ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی، در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر، نهاد‌های مالی و سیاست‌گذاران نیز نقشی بی‌بدیل در این تحول دارند. ایجاد بسترهای مناسب برای تنوع‌بخشی به سید دارایی‌ها، شفاف‌سازی اطلاعات، و ترویج ابزارهای مالی مبتنی بر مدیریت ریسک می‌تواند به تعدیل رفتارهای هیجانی کمک کند و فضایی را فراهم آورد که در آن، سرمایه‌گذاران به جای دودیدن به دنبال سودهای زودگذر، به ارزش‌آفرینی بلندمدت بپردازند و این تغییر نگرش، تنها با همکاری مستمر و هماهنگ تمامی ارکان اقتصادی ممکن خواهد شد.

فرهنگ‌سازی در سطح عمومی از طریق رسانه‌ها و سیستم آموزشی، برای آشنایی افراد با مفاهیمی چون «هزینه فرصت»، «بازده تعدیل‌شده بر اساس ریسک» و «اهمیت نقدشوندگی» از گام‌های اساسی در این مسیر است. فرهنگ سرمایه‌گذاری زمانی بالنده می‌شود که سرمایه‌گذار بداند حفظ سرمایه، مقدم بر کسب سود است و تصمیم‌گیری منطقی، در شرایطی که بازار در ثبوتاب نوسانات است، می‌تواند از وقوع فاجعه‌های مالی جلوگیری کند. در حقیقت، سرمایه‌گذاری موفق، بیش از آنکه به هیجان و پذیرش ریسک‌های بزرگ وابسته باشد، به مدیریت ریسک، حفظ سرمایه و اتخاذ تصمیمات منطقی و مبتنی بر تحلیل گره خورده است و این مهم، در سال‌های پرنوسان اقتصاد ایران که با تورم بالا، بی‌ثباتی‌های کلان و محدودیت‌های شدید نظام بانکی دست‌وپنجه نرم می‌کند، از هر زمان دیگری حیاتی‌تر شده است. فرهنگ سرمایه‌گذاری در ایران، همچون آینه تمام‌نمای اقتصاد کشور، نیازمند بازنگری بنیادین است. فاصله چشمگیر میان سطح ریسک‌پذیری موجود با استانداردهای جهانی و غلبه رویکردهای سوداگرانه بر اصول عقلایی، نشان از یک ناهنجاری رفتاری ریشه‌دار دارد که برای درمان آن، چارهای جز توسل به دانش اقتصاد رفتاری و تقویت مدیریت ریسک نیست. تنها با عبور از سطحی‌نگری‌ها و سسوگیری‌های رفتاری و حرکت به سمت نهادینه‌سازی عقلانیت و دانش در تصمیمات مالی است که می‌توان امیدوار بود اقتصاد ایران از گرداب رکود و فرسایش سسرمایه رهایی یافته و به سوی رشد و توسعه پایدار حرکت کند؛ حرکتی که نه در سایه شانس و اقبال، که در پر تو دانش، نظم و صبری هوشمندانه تحقق خواهد یافت و نسلی از سرمایه‌گذاران را پرورش می‌دهد که به جای طمع به سودهای آنی، به دنبال بقا و بالندگی در بلندمدت هستند. این همان میراث گرانبهایی است که می‌تواند چهره اقتصاد ایران را در دهه‌های آینده دگرگون سازد و آن را از وابستگی به درآمد‌های نفتی و نوسانات بیرونی، به سوی خوداتکایی مبتنی بر خرد جمعی و سرمایه‌گذاری مولد سوق دهد.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعزیزی - اقتصاد سراسر آمد